

# همایون خرم و عرصه موسیقی ایرانی

(متن سخنرانی دکتر محمد سریر در شب مهندس

همایون خرم دوشنبه هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۶

در تالار بتهوون خانه هنرمندان ایران)

۴۲۹

در مورد استاد که به هر حال صحبت‌های بسیار شد مطالبی در بررورشور آمده است که در حقیقت ذره‌ای است از آن دریا. به هر حال در عرصه موسیقی ملی، هنرمندان مختلفی ظهور کردند. وقتی ما برمی‌گردیم به تاریخ موسیقی خودمان، هنرمندان ایرانی آثاری را خلق کرده‌اند که در مقاطعی اثراتی ژرف در حفظ و ارتقاء هنر ایران زمین داشته است و در شرایطی نیز موجب تلذذ خاطر دوستداران هنر موسیقی در جامعه شده است. ولی ما آثار معدودی در سیر تاریخی هنر داشته‌ایم، بخصوص در هنر موسیقی کشور که بتواند آثاری ماندگار بوده و از وجوه خلاقه و تاثیرگذار مستمر برخوردار باشد و در خاطره و حافظه نسلها باقی بماند. وقتی ما به تاریخ موسیقی خودمان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم افراد اندکی را می‌توانیم نام ببریم که از گذشته‌ها حضوری موثر داشته‌اند و توانسته‌اند بمانند و این ماندگاری در حقیقت شأن و طراوت آثارشان را نشان می‌دهد و اینکه چه جایگاهی از نظر عیار هنری در پهنه هنر کشور به خود اختصاص داده است. جایگاه استاد همایون خرم در موسیقی ملی ایران به‌رحال زوایای مختلفی دارد، منشوری است از ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که لازم است با نگاه تحلیلی نسبت به پایگاه و جایگاه فرهنگی هنری در آثار ایشان پردازیم.

فکر می‌کنم ابتدا لازم است در مورد چهارچوب‌ها و مبانی موسیقی ملی ایرانی و دستگاه‌های موسیقی که در حقیقت دستمایه اصلی موسیقی ایرانی است توضیحاتی ارائه شود.

موسیقی ایرانی آنچه طی چند هزار سال سابقه تاریخی تنها نغمه‌هایی از آن به صورت سینه به سینه تا به امروز باقی مانده است که در دستگاه‌های ایرانی دسته بندی و ثبت گردیده است. همچنین نغماتی که در موسیقی نواحی ما در سالیان دور به جای مانده و در زندگی مردمان نقاط دور و نزدیک این سرزمین جاری است.

از مشخصه‌های ویژه موسیقی ایران زمین جایگاه و اهمیت نغمه و محوریت آن در یک قطعه موسیقی است. موسیقی ما و بسیاری از دیگر کشورهای جهان به خصوص مشق زمین در نگاه موسیقی دانان غربی، مونوفونیک یعنی تک صدایی است. این در عمل نیز مصداق دارد و می‌دانیم که عموماً نیز به صورت اصیل آن با یک ساز و گاه همراه با آواز اجرا می‌شود. بنظر بعضی نیز تصاویری که از گروه نوازی در کتیبه‌ها و نقاشی‌ها باقی مانده است در حقیقت برای افزایش حجم صدا در فضاهای اجرا بوده و عملاً همان نغمه با سازهای مختلف به طور همزمان نواخته می‌شده و به صورت موسیقی پلی فونیک یا چند صدایی اجرا نمی‌شده است. بنابراین برجستگی و اهمیت یک نغمه یا ملودی که به وسیله آهنگساز ایرانی خلق می‌شود در حقیقت آن «آن» موسیقی ایرانی است و همه آن جذبه‌ها و ماندگاری‌ها در همین نغمه خلاصه شده است.

۱. بعضی از آشنایان به هنر موسیقی در ارزش و شأن این موسیقی تک صدایی یا مونوفونیک تردید می‌کنند و معتقدند که موسیقی ای که فاقد لایه‌های هارمونیک و کونترپوان باشد وجه هنری والا ندارد. در حالی که موسیقی بسیاری از کشورها این گونه است و نه اینکه از شأن این موسیقی کاسته شود بلکه تمام ارزش و تمام آن شأن و قدرت این موسیقی در آن خط ملودی نهفته است. آن خط ملودی است که دارای ظرفیت‌های بسیار غنی است که می‌تواند در نسل‌ها، عصرها طی هزاران سال باقی بماند. بسیاری از گوشه‌های موسیقی ایران گذشته از تاریخچه آن با یک ملودی بسیار کوتاه به چند هزار سال پیش می‌رسد یعنی ما آن ظرفیت که درون این انگاره‌ها می‌بینیم بسیار مهم است و این ظرفیت ویژه، اساساً در موسیقی مغرب زمین نیست. ملودی‌های بسیار کوتاه، بسیار ساده ولی نگاه در عمق و در خط ترکیب اصوات است که آن یک هنر و یک فن دیگری است. از اینجا است که آن قضایای عرفان و آن تفکر عرفانی در موسیقی ما ظهور می‌کند و بنده در آثار استاد خرم هم توضیح خواهم داد. بنابراین آثار ایشان در قالب انگاره‌های موسیقی شرق و در موسیقی ما که موسیقی ردیف - دستگاهی است قرار دارد یعنی آن ریشه‌ها و منبع اصلی خلق موسیقی ما هست که در حقیقت انگاره‌ها و چارچوب‌هایی است که ما آن چارچوب‌ها را گوشه می‌نامیم و این گوشه‌ها در دستگاه‌ها دسته بندی می‌شوند. بسیار مشکل است که بتوانید خلاقیت‌هایی داشته باشید در همین قالب‌ها، یعنی شما قالب را دارید و می‌خواهند که در این قالب و در همان گوشه یک کار تازه‌ای خلق کنید. یعنی شما از آن

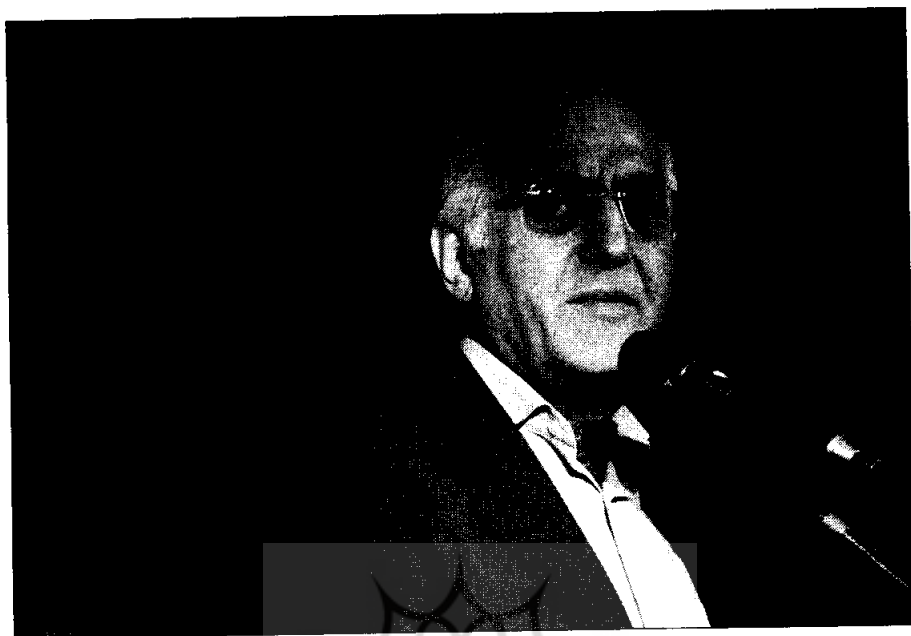
قالب خارج نشوید ولی بداعتی را بوجود بیاورید و خلق بکنید که طی چند هزار سال گذشته خلق نشده است. این یک بخش از فلسفه و آن رمز ماندگاری آثار آهنگسازان ممتاز از جمله استاد همایون خرم است. در حقیقت ضمن به اصطلاح وفاداری به آن انگاره‌ها که اساس حفظ هویت موسیقی ملی ما هست در حقیقت این خلاقیتها شکل گرفته و ظهور پیدا کرده و می‌بینیم که در نسل‌ها باقی مانده است. این یک وجه بسیار مهم از نظر پایه‌های موسیقی ملی ما است که حفظ آن حائز اهمیت است.

امروزه ممکن است آثار بسیاری تولید و عرضه می‌شود که خیلی هم در گروه‌هایی از افراد جامعه اثر می‌کند و خیلی‌ها هم ممکن است آن را دوست داشته باشند، ولی مدت زیادی در ذهن‌ها نمی‌ماند، در یک دوره‌ای می‌درخشد و تمام می‌شود. یکی از وجوه عدم ماندگاری آنها هم همین است که پیوندشان با آن ریشه‌ها سست است. آن ریشه‌ها هستند که می‌توانند موجب رشد و شکوفایی بشوند. حفظش کنند، برای سالهای بعد.

۲. وجه دیگری که از آثار استاد خرم و بخصوص در موسیقی کلامی بسیار مهم است، خواننده محوری است. بسیاری از آثار موسیقی ما به علت اینکه خواننده خاصی آن را خوانده است در جایی مورد توجه قرار گرفته و بعد هم تمام شده است. چون آن خواننده خواننده است، چون توجه ما معطوف به آن خواننده بوده است.

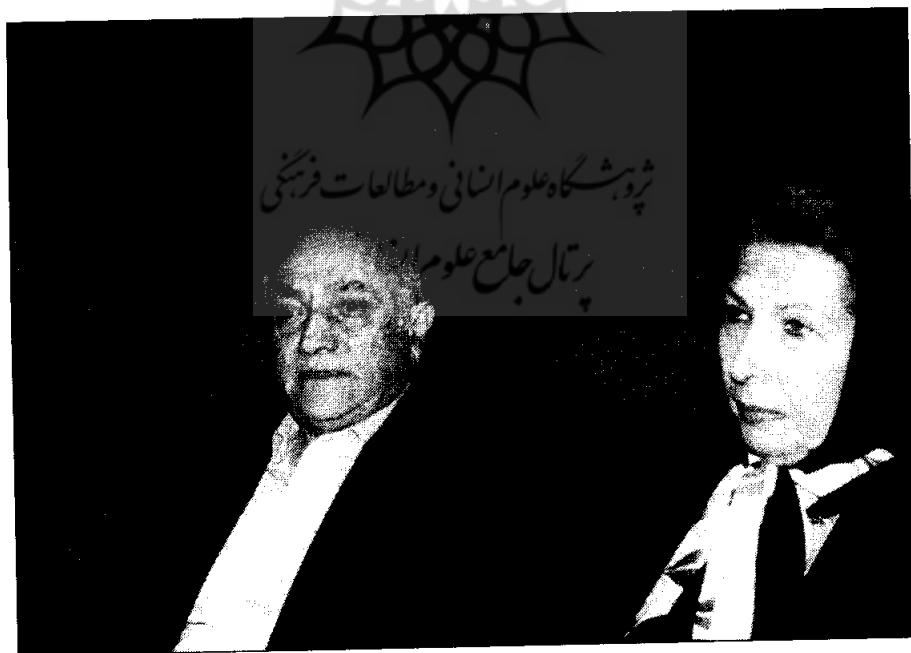
آثار استاد خرم، با هر خواننده‌ای، به هر شکلی، خواننده ناشناس، خواننده شناخته شده جذابیت و تأثیر عمیق خودش را بر جای گذاشته است. برای آنکه آن خلاقیت در خود ذات اثر وجود دارد و مربوط به شخص، معروف یا گمنام نیست. اگر شما برگردید به چهل سال قبل بعضاً آثار استاد را خواننده‌هایی اجرا کرده‌اند که اساساً خیلی هم شناخته شده نبودند و الان هم چندان شناخته نیستند. آثاری که امروز ما با خواننده‌هایی دیگر اجراش را می‌بینیم اصلاً کسی نام این خواننده‌های قبلی آنها را هم نمی‌داند و هنوز از همان زمان آثار باقی مانده در ذهن و روح و روان نسلها رسوب کرده است. بنابراین باید در نظر داشت آثاری که ساخته می‌شود یکی از وجوه شهرت آن ممکن است مقداری خواننده محوری باشد که ممکن است در زمانی جذابیت داشته ولی بعد از یک مدت این جرقه خاموش می‌شود.

۳. در حقیقت یکی از وجوه مهم در کار هنری و هر هنری شخصیت و آن چارچوب فکری و فرهنگی آن هنرمند است که حال در شعر، در نقاشی یا در همه آثار و رشته‌های هنری، این ظهور و بروز دارد. یعنی انعکاس آن شخصیت فرهنگی در آثار، یعنی منش، تفکر، آن زیر ساختهای فکری و اندیشه است که شأن و جایگاه والای هنری را به یک اثر می‌بخشد، بدون اینکه در مواردی ما اطلاعی از خصوصیات یک هنرمند داشته باشیم. وقتی ما یک اثر را می‌بینیم آن شأن



● دکتر محمد سریرو از اهمیت همایون خرم در موسیقی ایران گفت (عکس از جواد آتشباری)

۴۳۲



● مهندس همایون خرم و همسرش فرزانه چیلدزی

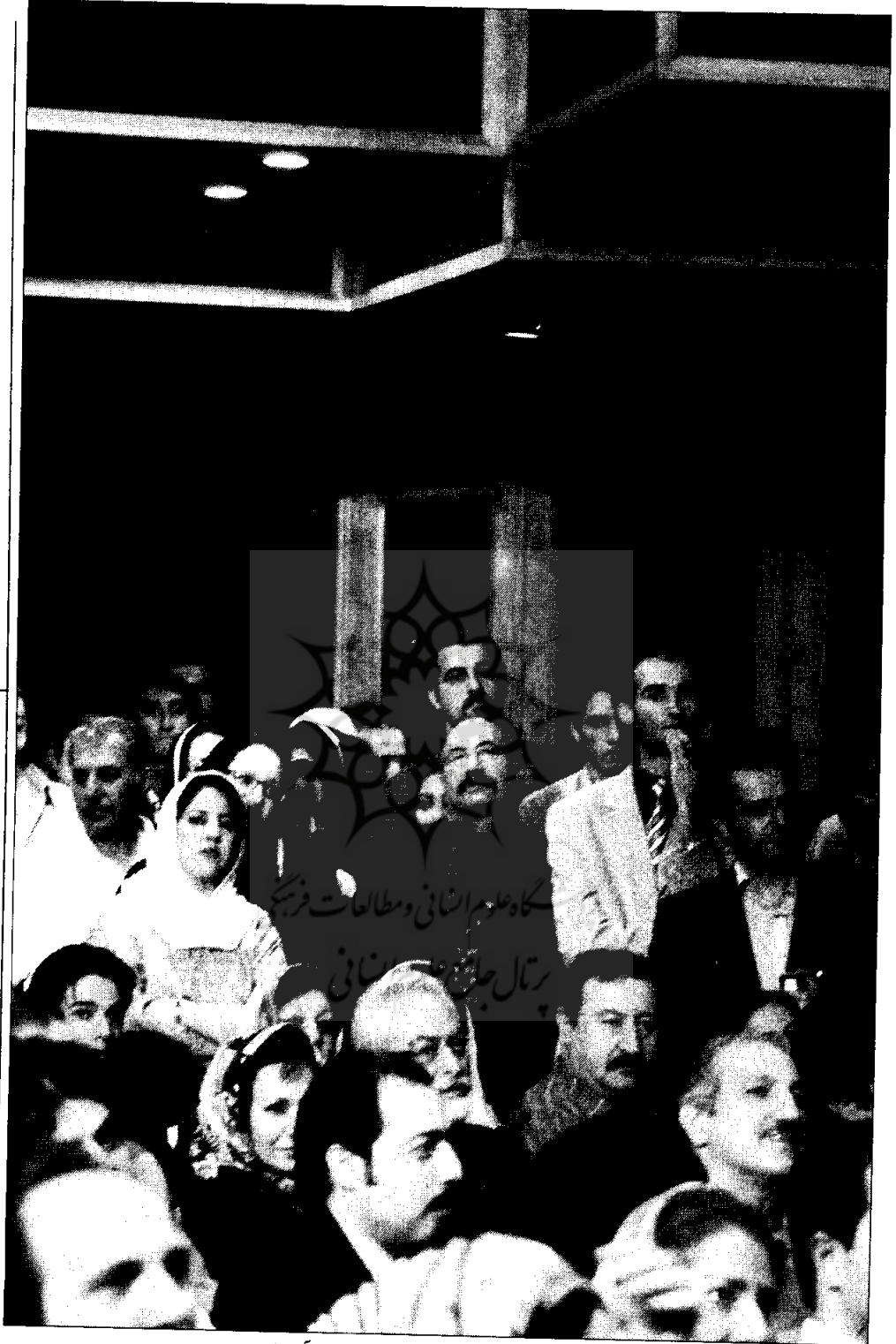
و ظرفیتی که در بنیان فرهنگی او وجود دارد را احساس می‌کنیم می‌توانیم تشخیص بدهیم که اثر هنری متعلق به کسی است که زیر ساختهای فرهنگی محکم و انسانی دارد و ما نمونه‌اش را در بسیار کارهای ایشان که در گذشته و در گونه‌های مختلف موسیقی تصنیف کرده‌اند به طور مشهود می‌شنویم و احساس می‌کنیم.

۴. استاد همایون خرم تحصیلات دیگری نیز در علوم دقیقه دارند. این نشانه‌ای است که ایشان تا چه اندازه به ظرافت‌ها و آن دقت و نظم و تفکر منظم و علمی و اندیشه‌ای که خلاقیت‌هایش را در یک چهارچوب علمی شکل بدهد اهمیت می‌دهند. در تأثیر تحصیلات دیگر ایشان در کار هنر با نظم فکری و اینکه هر نت و هر نغمه‌ای که خلق می‌شود و پیوند آنها در درون مثل یک حرکت معمارگونه در حوزه ساخت آثار هنری باشد قطعاً غیرقابل انکار است. ما این اثر را می‌بینیم، که چگونه، حرکت ملودیه‌ها در یک معماری بسیار هماهنگ شکل گرفته است. اینها مثل ساختمانی است که با یک معماری زیبا و دقیق ساخته شده، هر چیزی در جای خودش قرار گرفته و نگاه بسیار هنرمندانه و معمارانه در کنار آن بوده است و این متکی است به تحصیلات استاد که بهرحال ضمن بهره‌گیری از خود آن حرفه این توانایی قطعاً در آثار ایشان موثر بوده است و از نظر تحلیلی می‌توان واقعاً این را یکی از مواردی بدانیم که این آثار را ظرفیتی برای ماندگاری بخشیده است.

۵. هیچ هنری در مملکت ما نمی‌تواند دور از ادبیات زندگی کند. بدون تردید همه هنرهای ایرانی را به نوعی با ادبیات و یا با اشعاری زیبا زیور پیدا کرده و ما می‌بینیم که این اشعار چگونه تأثیر عمیق بر دل و جان ما گذاشته است. زندگی ما و زندگی هنری ما زیر پرچم ادبیات غنی ایران زندگی می‌کند و همه هنرهای ما حتی هنر خط ما. با یک شعر زیبا زیور پیدا می‌کند و تأثیرگذارتر می‌شود. موسیقی نیز چنین است. موسیقی ایرانی از چند هزار سال قبل همراه و هم‌نشین کلام بوده است. ما تقریباً همانند مغرب زمین موسیقی بی‌کلام و به آن شکل موسیقی کلاسیک پولی فونی جز ردیف - دستگاههایی که داریم، نداشته‌ایم. در موسیقی مغرب زمین وجه مهم موسیقی جدی آنها، موسیقی‌هایی است که کلامی نیست و خود موسیقی تنهاست. به استثنای موسیقی کرال یا گروه خوانندگان که در کلیسا و مسیحیت رشد نموده و پایه موسیقی غنی مغرب زمین شد. ولی ما از سال‌های دور ترکیبی از موسیقی و کلام داشته‌ایم. اشعار را با موسیقی ارائه کرده‌اند، بنابراین این دو بالای که در حقیقت هنر موسیقی کلامی را به پرواز درآورده است ادبیات یک شاخه مهم آن بوده است. دانش ادبی، از اصول مهم و پایه‌های اصلی ساخت و پرداخت اینگونه موسیقی است. یکی از به اصطلاح، ضعفهایی که امروزه در بعضی از انواع موسیقی احساس می‌شود که بعضاً در آثار جوانهای تحصیلکرده در رشته موسیقی نیز شنیده

می‌شود. عدم اشرافشان به ادبیات ما است. چه اتفاقی افتاده است که ما هم در همان دبیرستانها بوده‌ایم و بالاخره کتابهای درسی بود و حداقل ما اشعار بسیاری را از حفظ داریم و برای ما الگوها و انگاره‌هایی است که ما چه از جهت ادبی چه از جهت اخلاقی به آن متکی هستیم و الان هم مطالعه را روی حرکت و تحولات آثار ادبی معاصرین ادامه می‌دهیم چگونه است که بعضاً هم این دوره را نیز گذرانیده‌اند ولی یک خط یا یک مصرع نیز از این جریان غنی و حیاتی فرهنگی را بلد نیستند. چطور ممکن است یک ایرانی از آن گنجینه فرهنگی مرتبط با هویت ملی بی‌نیاز باشد. یکی از اساتید موسیقی من در خارج از کشور از کشور آلمان که به ایران هم سفر کرده بود. می‌گفت که ایرانیان باید افتخار کنند. یک فروشنده با شعر حافظ می‌تواند بر روی مراجع خودش تأثیرگذار و محفوظات ادبی دارد در حالی که یک آلمانی یک خط از این اشعار مشاهیر کشورش مانند گوته را نمی‌داند و از حفظ ندارد. یعنی این پیوندهاست که ما همین طور دست به دست می‌گردانیم و به نسل بعد می‌رسانیم. یکی از وجوه بارز استاد خرم، احاطه ایشان به ادبیات است. محفوظات بسیار، در حوزه‌های مختلف شعر، با درک وسیع از قضیه. درک ایشان از اشعار و کلام کاملاً در آثار ایشان مستتر است. شما وقتی می‌رسید به ترکیب و تلفیق شعر و موسیقی متوجه می‌شوید که آثار ایشان چگونه تأثیرگذار می‌شود و در ذهن و روح شنونده رسوخ می‌کند و در خاطرش می‌ماند. کلام قطعه آنچنان روان است که مخاطب احساس می‌کند خودش آن را ساخته است و آنقدر نزدیک به فرهنگ عمومی جامعه ما است که آن عرفان و آن تفکر عرفانی که در حقیقت در ادب ما، در بخشهای مختلف آن به نوعی نهفته است در این اشعار وجود دارد و به شکل بسیار زیبایی در آهنگ‌ها متجلی شده است. (امشب در سر شوری دارم / امشب در دل نوری دارم) اینها دیگر حرف معمولی نیست، اینها در حقیقت آن سرگشتگی‌ها و شیفتگی‌ها و شیدایی‌های عرفانی است که در شکل شعر و موسیقی با همدیگر تجلی پیدا می‌کند و آن اثر ماندگار را بر جای می‌گذارد.

۶. استاد خرم به عنوان یک نوازنده مولف در نوازندگی ویلن از مکتب استاد مسلم موسیقی و نقطه عطف موسیقی ایران استاد ابوالحسن صبا، یعنی کسی که طلایه دار موسیقی نوین ایران در همین دوران معاصر ما بوده و در حقیقت شکل موسیقی ما را به نوعی به سمت موسیقی علمی سوق داده است و در این امکان فراهم گردیده که موسیقی خودمان را بتوانیم برای مردمان ملل دیگر توضیح بدهیم ما حتماً نباید هنرمند را دنبال خودمان ببریم و بگوییم موسیقی ما این است و هنرمند ما باید بنوازد تا مخاطب با آن ارتباط برقرار کند. جمع آوری موسیقی مقامی و ردیف - دستگاهی ما و جمع آوری موسیقی‌های محلی و فولکلوریک ما و خدماتی که استاد انجام داد و ایشان یگانه شاگرد و یگانه بازمانده از آن نسل که خداوند به ایشان عمر طولانی



● صحنه‌ای از مراسم شب استاد مهندس همایون خرم (عکس از جواد آتشباری)

بدهد، در حقیقت پرچمدار این مکتب هستند، چه در نوازندگی ویلن و چه در شناخت ردیف و دستگاهها که سینه به سینه طی قرن‌ها به ما رسیده، و ما هم انشاءالله بتوانیم از مکتب ایشان استفاده کنیم و بتوانیم این پرچم را به دست نسل‌های آینده بدهیم.

۷. استاد همایون خرم به عنوان نویسنده و پژوهشگر که چهره دیگری از این منشور است، چه در حوزه موسیقی چه در حوزه‌های پژوهش تاریخ موسیقی و روش‌های آموزش موسیقی نغمه‌هایی را که ایشان منتشر کرده‌اند چه در آثار موسیقی مکتوب و چه به صورت صوتی خدمات ماندگاری است که ایشان در این چهره انجام داده‌اند و نه فقط به عنوان یک نوازنده مؤلف و یا به عنوان آهنگساز، بلکه توانسته‌اند این آثار را به شکل مکتوب به نسل‌های مختلف منتقل کنند.

۸. استاد همایون خرم نهایتاً به عنوان هدایت‌کننده ارکستر و رهبر ارکستر که روح واحدی را در اجرای آثارشان و نوازنده‌ها ایجاد کرده‌اند و توانسته‌اند در حقیقت آثار خودشان را در یک مجموعه تفکر واحد در ارکسترگله‌ها متجلی کنند. آثاری که امروز از این هنرمند به دست ما رسیده است، پلی است از هویت ملی ما بین همه ایرانیان که در سراسر جهان به زندگی عاشقانه خودشان به میهن ادامه می‌دهند و ما افتخار می‌کنیم به وجود ایشان انشاءالله که خداوند ایشان را سلامت نگه دارد و ما هم در کنار ایشان بتوانیم از گوشه‌ای از این توانایی‌های ایشان استفاده بکنیم. امید که این نغمه‌های سرشار از عشق در خاطر و خاطره جوانان و تمام ایرانیان و کسانی که به مام وطن مهر می‌ورزند و به سرزمین خود و هویت فرهنگی شان افتخار می‌کنند همچنان جاری و پایدار بماند.

۴۳۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### خواهش و تقاضا

برای چندمین بار از نمایندگان بخارا در شهرستانها خواهش می‌کنیم  
بدهی‌های خود را حواله کنند.

این مطلب را برای چندمین بار است که تکرار می‌کنیم و امیدواریم مورد توجه  
قرار گیرد.